


نوع مقاله: پژوهشی

بررسی تطبیقی ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن و تورات

زهرة نریمانی / استادیار گروه علوم و قرآن و تفسیر دانشگاه علوم و معارف قرآن

zohrehnarimani92@yahoo.com

 orcid.org/0000-0001-9757-7225

دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

چکیده

برخی داستان‌ها در مواضع متعدد با شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در قرآن و تورات نقل شده‌اند. کشف و بررسی تفاوت‌های نقل‌های قرآن با یکدیگر و نیز تفاوت نقل قرآن با نقل تورات در ارائه تفسیر صحیح از آیات نقش مهمی دارد. ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم علیه السلام چهار بار در قرآن و یک بار در تورات با اختلافاتی (همچون مبهم بودن تقدم و تأخر در بشارت تولد حضرت اسحاق علیه السلام یا خبر عذاب قوم لوط، تعیین مخاطب در بشارت حضرت اسحاق علیه السلام، تبیین واکنش حقیقی ساره در برابر این بشارت، و علت ترس حضرت ابراهیم علیه السلام) ذکر شده است. در این باره تورات در بخش‌هایی با قرآن همسو و در جهاتی متعارض است. تورات - مانند همیشه - در نقل داستان، با ارائه مضامینی همچون خدشه‌دار کردن عصمت و توحید انبیا و شخصیت‌های مهم و تنقیص ذات خداوند، ماجرا را شرح داده است. قرآن برخلاف تورات با مطرح نمودن اصل ماجرا و شرح آن در سور گوناگون، ضمن داشتن اختلافاتی به‌ظاهر متعارض در آن سور، حقیقت این ماجرا را به‌خوبی ترسیم کرده است. این پژوهش با بررسی تطبیقی قرآن و تورات و تفسیر داستان قرآن در چهار سوره، ضمن برشمردن اختلافات و تشابهات میان قرآن و تورات، به تبیین و ارائه تفسیر در باب اختلافات قرآنی در چهار سوره مذکور درباره این داستان پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تورات، مهمانان حضرت ابراهیم علیه السلام، بشارت حضرت اسحاق علیه السلام، قوم لوط.

بشارت انبیاء و انذار امم و اقوام از جمله مباحثی است که خداوند در قرآن، مکرر به گونه داستانی بدان تصریح داشته و گاه یک داستان را در سوره‌های متفاوت بازخوانی و تکرار کرده است. در این تکرارها که گاه تفاوت‌هایی هم دیده می‌شود، حکمت‌ها و عللی نهفته است. در این میان، گاه این بازگویی‌ها با اختلافات جزئی و کلی همراه شده است که همین سبب می‌شود ژاژگویان و نابخردان بدون تعمق و ژرف‌نگری در قرآن، آن را از گونه‌های تحریف قرآن و یا غیرالهی بودن آن تلقی کنند. بدین‌روی کشف این تفاوت‌ها و تبیین چرایی آنها، خود می‌تواند پاسخی قاطع بر این ادعاهای گزاف باشد. در این میان در نقل داستان‌های قرآن، به‌ویژه آنها که به ماجراهای بنی‌اسرائیل ارتباط دارد، مشابهت‌ها و تفاوت‌های بسیاری میان نقل قرآن و تورات وجود دارد. از این‌رو هنگام بررسی و تبیین اختلافات داستان‌های قرآنی، تطبیق آنها با تورات می‌تواند تا حد زیادی راهگشا باشد.

یکی از داستان‌هایی که در چند جای قرآن آمده، نزول فرشتگان الهی بر حضرت ابراهیم علیه السلام و ساره، بشارت ولادت حضرت اسحاق علیه السلام و همزمان خبر عذاب قوم لوط با برخی جزئیات است. تورات نیز این داستان را به تفصیل در سفر «پیدایش» بازگو کرده است. در قرآن این داستان با تمام هماهنگی‌های خود در سوره گوناگون، از تفاوت‌هایی برخوردار است. افزون بر آن، نقل صورت‌گرفته از ماجرا در تورات نیز در وجوهی با برخی از آیات قرآن همسو و در وجوهی دیگر متفاوت است.

این پژوهش بر آن است تا با ذکر شباهت‌ها و اختلاف‌های موجود در قرآن و تورات، به تبیین تناقض‌ها و نقصان‌های تورات در این قصه و بیان بخش‌های هماهنگ آن با قرآن بپردازد و نیز تفاوت‌های نقل شده در قرآن را بررسی و تحلیل نماید.

درباره حضرت لوط علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام و قصه‌های قرآن مقالات بسیاری با رویکردهای گوناگون نوشته شده است؛ از جمله:

مقاله «جغرافیای تاریخی داستان حضرت لوط» (حسینی فاطمی، ۱۳۸۶)، که در آن به موقعیت جغرافیایی حضرت لوط علیه السلام و نزول عذاب بر قوم آنها اشاره نموده است.

مقاله دیگر «تحلیل ساختار داستان ضیف ابراهیم و قوم لوط در رکوع هفتم سوره هود» (فرامرزی و خلیلی، ۱۳۹۷)، در آن فقط به داستان مذکور در سوره «هود» با رویکرد فنی در حوزه قصه‌پردازی پرداخته است.

درباره حضرت لوط علیه السلام و عذاب قوم او و نیز بشارت‌های واردشده بر حضرت ابراهیم علیه السلام مقالات و کتب فراوانی نوشته شده است؛ اما مقاله‌ای که به‌طور مشخص به تبیین و چرایی تفاوت‌های دو قصه قرآنی و تطبیق آن با تورات پرداخته باشد، نگاشته نشده و از این منظر، مقاله حاضر در این موضوع کاملاً بدیع به شمار می‌رود.

۱. تفاوت نقل‌های قرآن در ذکر ماجرا

در آغاز بحث برای سهولت تطبیق مطالب با آیات و مراجعه مستقیم به آنها، آیات مربوط به ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم علیه السلام را در اینجا می‌آوریم تا ادامه بحث را با تمرکز بر آن به سامان برسانیم:

جدول ۱: مقایسه آیات سور قرآن درباره مهمانان حضرت ابراهیم ﷺ

<p>«وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَدْ لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ خَبِيرٍ (۶۹) فَلَمَّا رَأَى أَنِّي بُدِئْتُ مِنْهُمْ لَبِثْتُ أَلَيْهِمْ تَكْرَهُمُ وَ أَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ (۷۰) وَ امْرَأَتَهُ قَائِمَةً فَذُكِّرَتْ بِفَتْرِنَاهَا إِسْحَاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ (۷۱) قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَلَيْدُ وَ أَنَا عَجُوزٌ وَ هَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ (۷۲) قَالُوا أَمْ نَحْمَدُكَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةً وَ بَرَكَاتٍ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (۷۳) فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَ جَاءَهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ (۷۴) إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَتَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ (۷۵) يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ رَبِّكَ وَ إِلَهُكُمْ إِلَهُكُمْ غَيْرُ مُدْرِدٍ (۷۶)»</p>	<p>هود (۸ آیه)</p>
<p>«وَ بُدِئُهُمْ عَنْ ضَيْفٍ إِبْرَاهِيمَ (۵۱) إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ (۵۲) قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (۵۳) قَالَ ابْتَرْتُمُونِي عَلَى أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمِمْ تَبْشُرُونَ (۵۴) قَالُوا بُشْرَاكَ بِالْحَقِّ فَلَآنَكَ مِنْ الْفَاطِنِينَ (۵۵) قَالَ وَ مَنْ يَقْتَضُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّي إِلَّا الصَّالُونَ (۵۶) قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (۵۷) قَالُوا إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِ مُجْرِمِينَ (۵۸) إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۹) إِلَّا امْرَأَتَهَا قَدَرْنَا لَهَا لَيْنَ الْعَابِرِينَ (۶۰)»</p>	<p>حجر (۱۰ آیه)</p>
<p>«وَ لَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ (۳۱) قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّهٗ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْعَابِرِينَ (۳۲)»</p>	<p>عنكبوت (۲ آیه)</p>
<p>«هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ (۲۴) إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ (۲۵) فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ (۲۶) فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۲۷) فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَ تَبَشِّرُهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (۲۸) فَأَقْبَلَتْ امْرَأَتُهُ فِي صَرَةٍ فَهَكَتْ وَجْهَهَا وَ قَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ (۲۹) قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (۳۰) قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (۳۱) قَالُوا إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِ مُجْرِمِينَ (۳۲) لِئَرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ تَلِينٍ (۳۳) مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ (۳۴) فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۳۵) فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۳۶) وَ تَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۳۷)»</p>	<p>ذاریات (۱۴ آیه)</p>

همان گونه که پیداست، ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم ﷺ و وارد شدن فرشتگان الهی بر او و همسرش، ساره در چهار سوره مکی (هود: ۶۹-۷۶؛ حجر: ۵۱-۶۰؛ عنكبوت: ۳۱-۳۲؛ ذاریات: ۲۴-۳۷) آمده است. مجموع آیات اختصاص یافته به این داستان ۳۴ آیه است. در سوره «هود» از فرشتگان الهی به «بُشْرَى» و در سوره «عنكبوت» از آنها به «رُسُل» یاد شده و این در حالی است که در سوره «حجر و ذاریات» از آنها به «ضیف ابراهیم ﷺ» تعبیر شده است. در همه سوره بر بشیر بودن فرشتگان در همان بدو ورود، با عباراتی همچون «بشیر» و «سلام» تصریح گردیده است.

در تورات هیچ سخنی از ترس و نگرانی حضرت ابراهیم ﷺ وجود ندارد، اما در سوره «حجر» از ترس حضرت ابراهیم ﷺ به «وجل» و در سوره های «هود و ذاریات» از آن به «وجل» و «خوف» یاد شده است. در سوره «هود» خداوند به جزئیاتی، از قبیل ذبح گوساله و کباب نمودن آن و دست نبردن فرشتگان اشاره کرده و از رهیافت خوف در حضرت ابراهیم ﷺ سخن به میان آورده است و در ادامه همان خوف و دعوت ایشان به آرامش، ابتدا از عذاب قوم لوط برای حضرت ابراهیم ﷺ سخن گفته و پس از آن خداوند با یادکرد ساره و خنده ایشان به بشارت حضرت اسحاق ﷺ توجه می دهد. سپس گفت و گوی ساره و پرسش از چگونگی این ولادت با وجود موانع مطرح شده است. پس از آن سخن از فرونشستن ترس حضرت ابراهیم ﷺ و شنیدن بشارت حضرت اسحاق ﷺ آمده است و بار دیگر به ماجرای لوط بازمی گردد و با فرشتگان درباره عذاب قوم لوط به مجادله می پردازد.

در این سوره، گویی به ماجرای عذاب قوم لوط دوبار پرداخته شده؛ ابتدا به اجمال و در پایان به تفصیل. در میان این اجمال و تفصیل، ماجرای بشارت حضرت اسحاق ﷺ نیز مطرح شده است. سوره «حجر» تا حدی در طرح و ترتیب بشارت حضرت اسحاق ﷺ و خبر عذاب قوم لوط با سوره «هود» هماهنگ است، ولی ماجرای عذاب را در

یک فقره و پس از بشارت حضرت اسحاق علیه السلام مطرح نموده است. نکته اینکه در این سوره و سوره «ذاریات» آمده است که حضرت ابراهیم علیه السلام پس از شنیدن بشارت، خود با پرسش از فرشتگان و اینکه در این ملاقات، مأموریت شما چیست، از عذاب قوم لوط آگاه شد. تنها در سوره «ذاریات» از کیفیت عذاب قوم لوط و باریدن سنگ بر آنها به حضرت ابراهیم علیه السلام خبر داده است.

در سوره «حجر»، حضرت ابراهیم علیه السلام خود با فرشتگان درباره چگونگی فرزنددار شدن در سن بالای خود محاجه می‌کند و سخنی از پیری و نازایی همسر به میان نمی‌آورد؛ اما در سوره «هود و ذاریات» مخاطب و متکلم این گفت‌وگو ساره است. در سوره «هود» واکنش ساره در مقابل خبر فرزندآوری با تعبیر «فَضَحِكْتُ» توصیف شده، در حالی که در «ذاریات» از عبارت «فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا» استفاده شده است. در سوره «هود و عنکبوت» از مجادله و شفاعت حضرت ابراهیم علیه السلام درباره قوم لوط سخن به میان آمده و در دو سوره دیگر، صرفاً به ذکر نجات لوط و خانواده‌اش جز همسر ایشان اکتفا شده است.

۱-۱. تبیین چرایی تفاوت داستان در سوره‌های گوناگون

در مواردی که خداوند به اجمال سخن گفته و از شرح جزئیات خودداری نموده، پرسش و ابهام خاصی مطرح نیست؛ زیرا در موضع دیگر با تفصیل بیشتر جزئیات را آورده و بنای تکرار آنها را در این موضع نداشته است. به عبارت دیگر، این آیات در کنار هم به متمیم و اکمال جزئیات می‌پردازند.

دلیل دیگر آنکه موضوع و محور سخن خدای تعالی در یک سوره خاص اقتضای پرداختن به جزئیات را ندارد. از این رو خداوند از ذکر جزئیات غیرلازم در محور سوره خودداری نموده است. در برخی موارد نیز که توصیفات همسو و قابل جمع از یک اتفاق صورت گرفته است، پرسشی باقی نمی‌ماند. برای نمونه، چون فرشتگان در منظر حضرت ابراهیم علیه السلام از سه وجه قابل توجه بودند (یعنی هم مهمان بودند و هم فرستاده خداوند و هم حامل بشارتی برای ایشان)، از این رو خداوند به تناسب موضوعات در سوره‌های گوناگون، از اینان با اوصاف سه‌گانه «ضیف»، «رسل» و «بشیر» یاد کرده است. اما پرسش‌های اصلی درباره تفاوت‌های مذکور در سوره قرآن به شرح ذیل است:

۱. ابتدا بشارت تولد حضرت اسحاق علیه السلام بر حضرت ابراهیم علیه السلام وارد شد یا عذاب قوم لوط؟

۲. مخاطب و متکلم بشارت حضرت اسحاق علیه السلام و محاجه درباره چگونگی آن، حضرت ابراهیم علیه السلام بود یا ساره؟

۳. واکنش حقیقی ساره در برابر این بشارت چه بود؟

۴. علت ترس و نگرانی حضرت ابراهیم علیه السلام در این ماجرا چه بود؟

۲. نقل تورات در ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم علیه السلام

در تورات نیز ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم علیه السلام در سفر پیدایش باب ۱۷ و ۱۸ مبسوط آمده است. در این قصه نیز همچون دیگر داستان‌ها و بخش‌های تورات، از جزئیات و پرداختن به مسائلی که گاه در فهم و کشف واقعیت اثر ویژه‌ای ندارد، فروگذاری نشده و سعی بر بیان تمام آنهاست.

این داستان در تورات از شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با نقل قرآن برخوردار است. در تورات ماجرای این مهمانان چنین نقل شده است:

و خداوند در بلوطستان ممری بر وی ظاهر شد، و او در گرمای روز به در خیمه نشسته بود. ناگاه چشمان خود را بلند کرده، دید که اینک سه مرد در مقابل او ایستاده‌اند. و چون ایشان را دید، از در خیمه به استقبال ایشان شتافت و رو بر زمین نهاد و گفت: «ای مولا، اکنون اگر منظور نظر تو شدم، از نزد بنده خود مگذر! اندک آبی بیاورند تا پای خود را شسته، در زیر درخت بیارامید، و لقمه نانی بیاورم تا دل‌های خود را تقویت دهید و پس از آن روانه شوید؛ زیرا برای همین، شما را بر بنده خود گذر افتاده است. گفتند: «آنچه گفتی بکن». پس ابراهیم به خیمه، نزد ساره شتافت و گفت: «سه کیل از آرد می‌ده به زودی حاضر کن و آن را خمیر کرده، گرده‌ها بساز.» و ابراهیم به سوی رمه شتافت و گوساله نازک خوب گرفته، به غلام خود داد تا به زودی آن را طبخ نماید. پس کره و شیر و گوساله ای را که ساخته بود، گرفته، پیش روی ایشان گذاشت و خود در مقابل ایشان زیر درخت ایستاد تا خوردند. به وی گفتند: «زوجه‌ات ساره کجاست؟» گفت: «اینک در خیمه است». گفت: «البته موافق زمان حیات، نزد تو خواهیم برگشت، و زوجه‌ات ساره را پسری خواهد شد.» و ساره به در خیمه ای که در عقب او بود، شنید. و ابراهیم و ساره پیر و سالخورده بودند و عادت زنان از ساره منقطع شده بود. پس ساره در دل خود بخندید و گفت: «آیا بعد از فرسودگی ام مرا شادی خواهد بود، و آقایم نیز پیر شده است؟» و خداوند به ابراهیم گفت: «ساره برای چه خندیدی؟ آیا فی الحقیقه خواهی زایید، و حال آنکه پیر هستم؟ مگر هیچ امری نزد خداوند مشکل است؟ در وقت موعود، موافق زمان حیات، نزد تو خواهیم برگشت و ساره را پسری خواهد شد. آنگاه ساره انکار کرده، گفت: «نخندیدم؛ چون که ترسیدم. گفت: «نی، بلکه خندیدی» (پیدایش ۱۸: ۱-۱۵).

در تورات تأکید بر آن شده که سه تن «آدم» و نه سه ملک (فرشته) بر حضرت ابراهیم ﷺ وارد شدند (پیدایش ۱۸: ۲) و عجیب‌تر آنکه اصرار بسیار بر ظهور خدای تعالی به همراه آن افراد بر حضرت ابراهیم ﷺ وجود دارد (پیدایش ۱۸: ۱۳) و از احترام حضرت ابراهیم ﷺ و بر سجده افتادن ایشان برای مهمانان سخن آمده است (پیدایش ۱۸: ۳). در این داستان، حضرت ابراهیم ﷺ به آنان اصرار می‌کند تا نزدش بمانند و زیر درخت استراحت کنند و پاهایشان را بشوید و غذایی میل کنند. مهمانان نیز می‌پذیرند (پیدایش ۱۸: ۳) و حضرت ابراهیم ﷺ به نزد همسرش ساره می‌رود و به او دستور پخت نان برای مهمانان می‌دهد و برای ایشان خوردنی‌هایی از قبیل کره و شیر آماده می‌نماید و گوساله‌ای را ذبح و کباب می‌کند (پیدایش ۱۸: ۶).

در تورات تأکید بر آن شده که مهمانان غذا را خوردند (پیدایش ۱۸: ۸)؛ مهمانانی که خداوند نیز در میان آنها بود و از حضور ساره اطلاعی نداشت و احوال او را از حضرت ابراهیم ﷺ جویا شد (پیدایش ۱۸: ۹). پس از پاسخ حضرت ابراهیم ﷺ مبنی بر حضور ساره در پشت چادر، یکی از آن سه تن به حضرت ابراهیم می‌گوید: سال آینده در همین موقع نزد شما برمی‌گردم و ساره همسر تو اینک (همین حالا) پسردار خواهد شد (پیدایش ۱۸: ۱۰). ساره که این مکالمه را شنید، از این سخن مرد خنده‌ای از روی ناباوری و تمسخر کرد (پیدایش ۱۸: ۱۲).

قابل توجه است که در تورات از همین باورناپذیری و خنده و تمسخر حضرت ابراهیم ﷺ پس از شنیدن بشارت حضرت اسحاق ﷺ نیز یاد شده است:

پس ساره در دل خود بخندید و گفت: «آیا بعد از فرسودگی ام مرا شادی خواهد بود، و آقایم نیز پیر شده است؟» و خداوند به ابراهیم گفت: «ساره برای چه خندید و گفت: آیا فی الحقیقه خواهم زایید، و حال آنکه پیر هستم؟» (پیدایش ۱۷:۱۷)

تورات علت این تمسخر و استهزا را پیری حضرت ابراهیم علیه السلام و ساره و سالخوردگی آنان معرفی نموده است. افزون بر آن، ساره عادت ماهیانه هم نمی‌شده و یائسه بوده است (پیدایش ۱۸:۱۱). در تورات، خداوند از این خنده ساره و شگفتی و پرسش او به خشم آمده، از این روی، حضرت ابراهیم علیه السلام را مؤذاه می‌کند که در پی این مؤاخذه، ساره خنده خود را تکذیب نمود (پیدایش ۱۸:۱۵-۱۳). پس از این تکذیب، بار دیگر خداوند با قطعیت از ولادت حضرت اسحاق علیه السلام در سال آینده خبر می‌دهد (پیدایش ۱۸:۱۴). در اینجا است که ماجرای خبر عذاب قوم لوط مطرح می‌شود (پیدایش ۱۸:۱۶).

اما در تورات ماجرا به گونه‌ای آمده که گویی خداوند در ابتدا بنای آن را ندارد که به حضرت ابراهیم علیه السلام این خبر را بدهد، اما در ادامه و هنگام وداع با او، با خود اندیشیده که چرا این خبر را از او پوشیده دارم، در حالی که حضرت ابراهیم علیه السلام به زودی به قوم بزرگی تبدیل خواهد شد و می‌تواند به آنها سفارش کند که آیین خداوند را که رعایت عدالت و انصاف است، مراعات نمایند؟ از این رو به حضرت ابراهیم علیه السلام از گناهان قوم لوط با عنوان اقوام «سِدُوم» و «عَمُورَا» یاد کرده، می‌گوید:

فرود آمده‌ام تا ببینم آیا ناله (مردم) آن (شهر) که به درگاه من می‌رسد حقیقت دارد؟ (در این صورت) کارشان تمام است، و اگر نه خواهم دانست (پیدایش ۱۸:۲۱-۱۶).

در این هنگام، فرشتگانی که در تورات از آنها به «آن مردها» یاد شده بود (پیدایش ۱۸:۱۶) از حضرت ابراهیم علیه السلام روی برگردانده و به طرف سدوم رفتند؛ اما حضرت ابراهیم علیه السلام هنوز نزد خداوند باقی بود (پیدایش ۱۸:۲۳). حضرت ابراهیم علیه السلام در این هنگام شروع به چانه‌زنی با خداوند نمود که در این چانه‌زنی حضرت ابراهیم علیه السلام برخی نکات مهم عدالت را به خداوند یادآور می‌شود و از او می‌خواهد به خاطر آن تعداد افراد عادل، از عذاب قوم بگذرد و مرتب این تعداد تقلیل می‌یابد و در پایان، حضرت ابراهیم علیه السلام موفق به منصرف نمودن خداوند نمی‌شود (پیدایش ۱۸:۳۳-۱۶).

۳. تفاوت‌های قرآن و تورات در نقل ماجرا

براساس آنچه ذکر شد، تفاوت‌های ریز و درشتی در نقل این ماجرا در قرآن و تورات آشکار می‌شود که در اینجا فهرست‌وار بیان می‌شود:

۱. تورات در این داستان نیز همچون دیگر قصص و مواضع، خداوند را با اوصافی غیر زینده مانند جهل نسبت به احوال و کردار قوم لوط (پیدایش ۱۸:۲۱) و خندیدن و تمسخر ساره و حضرت ابراهیم علیه السلام و نیت درونی آنان (پیدایش پیدایش ۱۸:۱۲)، ظاهر شدن در قالب یک بشر و همراه شدن با فرشتگان و خوردن و آشامیدن (پیدایش ۱۸:۵) توصیف کرده است.

این در حالی است که بیان قرآن آن است که فرشتگان از همان ابتدا، بنا داشتند خبر قوم لوط را به حضرت ابراهیم علیه السلام بدهند، و بر این صراحت دارد که فرشتگان دست به غذا نبردند و همین سبب خوف حضرت ابراهیم علیه السلام

شد. در قرآن تأکید شده که مهمانان حضرت ابراهیم (ع) فرشتگان الهی بودند و با این بیان، تنزیه خدای تعالی را در نزول بر ایشان منتفی نموده است.

۲. مطابق نقل تورات، ساره به دروغ‌گویی متوسل شد (پیدایش ۱۵:۱۸) و خداوند را جاهل فرض نمود که از درون او خبر ندارد. خداوند نیز با خشم و اکراه با ساره سخن گفت. این در حالی است که قرآن از مکالمه همراه با لطف و محبت و عفو و فرشتگان با ساره سخن می‌گوید و بشارت‌دهنده رحمت خود بر این خانواده است (هود: ۳۳).

۳. تورات - همچون جاهای دیگر - با وارد ساختن اتهاماتی به ساره (پیدایش ۹: ۲۹-۱۵)، به رویکرد زن‌ستیزی خود ادامه داده، و ساره را به عنوان زنی معترض و مستهزیء معرفی نموده و هنگام بشارت، ساره مخاطب قرار نگرفته و در اساس داستان، ساره جز در هنگام توبیخ و سرزنش در حاشیه و پستو پنهان بوده است.

۴. تورات بار دیگر در حق شخصیت‌های بزرگ الهی همچون ساره و حضرت ابراهیم (ع) جفا کرده و آنها را با بهتان‌هایی همچون تکذیب حق و مجادله‌گری و نشناختن حق خداوند متهم ساخته است (پیدایش ۱۷:۱۷).

۵. پرداختن به جزئیات ماجرا، محل قرار گرفتن فرشتگان و حضرت ابراهیم (ع)، تهیه نان، شیر، کره و مانند آن و مشخص کردن تعداد، از تفاوت‌های قرآن و تورات در این باره است. قرآن در مواردی که این ماجرا را نقل کرده از تشریح جزئیات خودداری نموده و فقط به اصول ماجرا که دربردارنده تعلیم و حکمت بوده، اهتمام داشته است.

۶. در قرآن از نجات لوط و اهل بیت او جز همسر و قوم ایشان، سخن به‌میان آمده است. اما در تورات از وعده خداوند درباره نجات لوط و خانواده ایشان، سخنی به میان نیامده و صرفاً از قوم یاد شده است.

نکته مهم‌تر آنکه در پایان چانه‌زنی حضرت ابراهیم (ع) با خداوند برای دفع عذاب قوم لوط، خداوند وعده داده است که اگر کمتر از ده تن باشند از عذاب قوم صرف‌نظر می‌نماید و چون پس از آن خبر عذاب قوم را داده، یعنی در میان قوم لوط کمتر از ده تن هم سالم نبوده‌اند، دیگر درباره اهل نجات قوم و افراد آنها و همسر لوط سخنی به‌طور مشخص نگفته است. اگرچه قرآن نیز با تعبیر «فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (ذاریات: ۳۶) به این حقیقت اشاره می‌کند، اما از تعداد دقیق آنها سخنی به‌میان نیاورده است.

قرآن در چند موضع از شفاعت حضرت ابراهیم (ع) به سبب حضور حضرت لوط (ع) یاد می‌نماید و این امر بیانگر آن است که حضرت ابراهیم (ع) از گناه قوم لوط آگاه بوده و برای آنان شفاعتی نکرده است، برخلاف تورات که گویی خود خداوند در قالب بشری متمثل شده و خبر عصیان قوم لوط را داده، ضمن آنکه خداوند خود نیز از عصیان آنها اطمینان نداشته و بنای تحقیق و رؤیت حقیقت را در میان قوم لوط داشته است.

۷. در تورات تصریح شده است که خیر عذاب قوم لوط به حضرت ابراهیم (ع) لزوماً و ضرورتاً پس از بشارت حضرت اسحاق (ع) مطرح شده و آن هم براساس برنامه‌ای از پیش تعیین نشده بوده و در همان وقت، خداوند تصمیم به این اطلاع‌رسانی گرفته است. اما بیان قرآن به‌گونه‌ای است که فرشتگان در آغاز گفت‌وگو با حضرت ابراهیم (ع) از ارسال آنها به سوی قوم لوط سخن نگفته‌اند.

۴. حل اختلافات نقل ماجرا در قرآن با محوریت قرآن و تطبیق آن با تورات

همان‌گونه که ذکر شد، نقل تورات در هفت موضع با قرآن تفاوت دارد. پیش از این، سه اختلاف مهم در داستان مهمانان حضرت ابراهیم علیه السلام در سوره‌های مختلف قرآن مطرح شد که در این بخش با طرح مجدد آنها و بررسی آیات و سوره‌ها و تطبیق آنها با تورات، برآینم تا پاسخ آنها را بیابیم.

اولین پرسش آن است که در قرآن، اول بشارت حضرت اسحاق علیه السلام به حضرت ابراهیم علیه السلام داده شده است یا خبر عذاب قوم لوط؟ دیگر آنکه مخاطب اصلی این بشارت ساره بود یا حضرت ابراهیم علیه السلام؟ واکنش ساره به این موضوع چه بود؟ در نهایت، علت ترس حضرت ابراهیم علیه السلام چه بود؟

افزون بر وجود اختلاف در این آیات، اختلاف آنها با تورات نیز بررسی و تبیین خواهد شد.

۴-۱. تقدم تولد حضرت اسحاق علیه السلام یا نزول عذاب

در این داستان با توجه به تفاوت نقل آیات و هماهنگ نبودن با تورات، اولین پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود آن است که نخستین خبر فرشتگان به حضرت ابراهیم علیه السلام بشارت اسحاق بود یا عذاب قوم لوط؟ در این باره تورات بی‌هیچ شائبه‌ای و با صراحت، محور نزول مهمانان را بشارت حضرت اسحاق علیه السلام دانسته و ماجرای عذاب را یک خبر غیر مهم و ثانوی به حضرت ابراهیم علیه السلام شمرده است.

شاید بتوان علت کم‌اهمیت جلوه دادن عذاب قوم لوط در ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم علیه السلام را در فرهنگ و روش تورات در برخورد با حضرت اسحاق علیه السلام و ماجراهای مربوط به جدّ اول بنی‌اسرائیل جست‌وجو نمود. در تورات پیوسته به حضرت اسحاق علیه السلام و حضرت یعقوب علیه السلام به‌عنوان نیای یهود ارزش و جلوه خاصی داده شده و همیشه به دیگر شخصیت‌ها و افراد مهم و داستان‌های مربوط بدان‌ها در سایه و کم‌رنگ پرداخته شده است. اما در قرآن در سوره‌های «حجر و ذاریات»، ابتدا بشارت حضرت اسحاق علیه السلام در پی بروز «وجل» در حضرت ابراهیم علیه السلام و سپس خبر نزول عذاب قوم لوط آمده است: «إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجَلُونَ قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ... قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنْجُوهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ قَدَرْنَا لَهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ» (حجر: ۵۲-۵۳).

در سوره «هود»، عکس آن آمده؛ یعنی اول به تفصیل خبر عذاب و سپس بشارت حضرت اسحاق علیه السلام و بار دیگر به عذاب قوم لوط پرداخته شده است: «وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ... فَلَمَّا رَأَىٰ أَن يُدْبِرُهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ لُوطٍ وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ... فَلَمَّا ذَهَبَ عَنِ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ» (هود: ۶۹-۷۴).

مفسران این بشارت را که در آغاز آیه بدان توجه داده شده، بشارت تولد حضرت اسحاق علیه السلام دانسته‌اند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۹۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۱۰). در کنار آن، این احتمال داده شده که در سوره «هود»، آنجا که اول از بشارت سخن گفته، منظور بشارت حضرت اسحاق علیه السلام و عذاب قوم لوط هر دو باشد؛ از آن جهت که

نابودی قوم لوط بشارتی برای حضرت لوط علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام و مؤمنان است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۳۴۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶ ص ۲۹۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۵ ص ۱۷۷؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۳۰۵۵).

البته *صادقی تهرانی* پس از طرح این احتمال، بیان می‌دارد که مؤیدی در آیات بر این سخن وجود ندارد و صرفاً براساس عنایت ضمنی، بشارت آن را مطرح نموده‌اند. وی در ادامه با تکیه بر آیات سوره «حجر» به قطع، حکم بر تقدم بشارت بر خبر عذاب می‌دهد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۳۴۹).

برخی بر آنند که چون سیاق و محور اصلی سوره «هود» ذکر رفتار اقوام و امم انبیای پیشین همچون هود و صالح با پیامبرانشان و شرح عذاب آن اقوام است و نیز امت حضرت ابراهیم علیه السلام عذاب نشدند، از این رو خوانند از عذاب امت لوط و خبر آن یاد کرده است. از این نظر تقدیم خبر عذاب قوم لوط بر بشارت حضرت اسحاق علیه السلام در این سوره به سبب هماهنگی با سیاق و وحدت کلی سوره است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶ ص ۲۹۰).

در روایات مأثور اهل سنت، این بشارت را در معنای رسیدن حضرت ابراهیم علیه السلام به مقام نبوت دانسته‌اند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۶ ص ۲۰۵۳) که نقد و رد آن به توضیح و تفسیر نیازی ندارد.

پس از این به تفصیل خواهد آمد که خبر بشارت حضرت اسحاق علیه السلام در این مهمانی دوبار داده شده است: بار اول به حضرت ابراهیم علیه السلام که ایشان نیز با توجه به زیادی سن خویش و نازایی همسرش شگفت‌زده شد. از این رو شگفتی خود را بروز داد و فرشتگان به ایشان تذکر دادند که مبدا در شمار نامیدان درآیی. فرشتگان بار دوم نیز به ساره که در پشت پرده به این گفت‌وگوها گوش سپرده و دچار حیرت شده بود، بشارت حضرت اسحاق علیه السلام را با جزئیات بیشتری دادند و از رحمت و برکات خداوند بر اهل بیت سخن گفتند.

با در نظر داشتن این واقعه و تأمل در آیات سوره «حجر» - که با تفصیل بیشتر این داستان را بازگو نموده است - می‌توان این‌گونه برداشت کرد که فرشتگان پس از مشاهده آثار خوف در حضرت ابراهیم علیه السلام، نخست به حضرت ابراهیم علیه السلام خبر داده بودند که مأموریت اصلی آنها رفتن به دیار قوم لوط است و بنای عذاب قوم حضرت ابراهیم علیه السلام و یا خود حضرت ابراهیم علیه السلام را ندارند. اما در خبر اول از کیفیت و جزئیات عذاب قوم لوط سخنی به میان نمی‌آورند، بلکه صرفاً از رفتن به سوی آنها خبر می‌دهند: «لَا تَخَفْ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ».

در ادامه، این موضوع را برای حضرت ابراهیم علیه السلام و خطاب به ایشان عنوان کردند که خدای تعالی به شما فرزندی خواهد داد. در پی این بشارت، حضرت ساره شگفت‌زده شد و از فرشتگان درباره چگونگی آن با توجه به شرایط حاضر خود پرسید که فرشتگان دگرباره به ساره همان بشارت را دادند.

در مرحله سوم، حضرت ابراهیم علیه السلام از سبب ارسال آنها به سوی قوم لوط پرسید: «قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ قَالُوا إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ» (حجر: ۵۸-۵۷). بار دیگر فرشتگان از عذاب قوم لوط خبر دادند که در پی آن حضرت ابراهیم علیه السلام شروع به مجادله با فرشتگان کرد تا شاید عذاب را از آن قوم برطرف سازد، و در آخر به آن جناب گفتند که کار از کار گذشته و قضا حتمی شده و عذاب نازل خواهد شد و به هیچ وجه ردش نمی‌توانست.

۲-۴. مخاطب بشارت به حضرت اسحاق

یکی از پرسش‌ها در ماجرای مهمانان ابراهیم، این بود که آیا هنگام بشارت حضرت اسحاق، حضرت ابراهیم مخاطب اصلی این بشارت بود یا حضرت ساره؟ در تورات، ابتدا ساره غایب فرض شده و هنگام بشارت، مخاطب مستقیم قرار نگرفته است. اما بعد از به سخره گرفتن این بشارت از سوی ساره، خداوند و مردان همراه خدا، برای توییح و سرزنش، ایشان را مستقیم مخاطب قرار دادند.

در تورات سخنی از نزول رحمت و چگونگی این بشارت و آسان بودن آن برای خدا در خطاب به حضرت ابراهیم نیست و صرفاً با بیان توییحی ساره را مخاطب قرار داده است. اما قرآن در شروع آیه ۶۹ سوره «هود» (وَ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى) بشارت حضرت اسحاق را فقط در خطاب به حضرت ابراهیم مطرح نموده، هرچند در ادامه، یعنی در آیه ۷۴ نیز به صورت مستقیم از دادن این بشارت به ساره نیز سخن به میان آورده است: «وَ أَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ إِسْحاقَ يَعْقُوبَ». در سوره «حجر»، خداوند بار دیگر از بشارت پسر دار شدن به حضرت ابراهیم و پرسش و پاسخ ایشان با فرشتگان در چگونگی حصول این بشارت سخن گفته است: «قَالُوا لَا تَوْجَلْ إنا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ».

این در حالی است که در آیه ۷۲ سوره «هود» ساره با فرشتگان درباره کیفیت این بشارت سخن می‌گوید: «قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَ أَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَ هَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ». جمع این دو موضوع را می‌توان این‌گونه تبیین نمود که در سوره «حجر، عنكبوت و ذاریات»، آنجا که خداوند صرفاً از بشارت به حضرت ابراهیم یاد نموده، بنای خداوند بر نقل خلاصه ماجراست. اما در سوره «هود» که جزئیات داستان را پیوسته و بیشتر نقل نموده، بشارت آغازین را برای حضرت ابراهیم در بدو ورود بیان نموده و در ادامه، خطاب به ساره و سخن از بشارت به ایشان سخن به میان آمده است.

این بدان معناست که فرشتگان دوبار در آن مهمانی بشارت تولد حضرت اسحاق را مطرح نموده‌اند: بار اول خطاب به حضرت ابراهیم که در سور متعدد، به آن تصریح شده است. بار دوم و پس از تعجب ساره، فرشتگان بشارت حضرت اسحاق را به او دادند.

نکته مهم‌تر آنکه در این بشارت، هر دوی آنها دچار شگفتی شدند و فرشتگان با ساره از نزول رحمت خداوند و برکات او بر اهل بیت (هود: ۷۳) سخن گفتند و حضرت ابراهیم از ناامیدی از رحمت خدا حذر دادند (حجر: ۵۵).

۳-۴. واکنش حقیقی ساره در برابر بشارت تولد حضرت اسحاق

پرسش سوم نیز آن است که واکنش حقیقی ساره در برابر این بشارت چه بود؟ قرآن با دو تعبیر «فَضَحِكَتْ» (وَ أَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحاقَ وَ مِنْ وَرَاءِ إِسْحاقَ يَعْقُوبَ) (هود: ۷۱) و «صَرَّةٌ» (فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَ جَهَّهَا وَ قَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ) (ذاریات: ۲۹) از آن یاد می‌کند، ولی تورات از عبارت خندیدن ساره از روی تمسخر که خشم خدا را به همراه داشت، یاد می‌نماید (پیدایش ۱۸: ۱۲ و ۱۷: ۱۷).

باید دقت شود که در سوره «هود»، درباره ساره ابتدا از «فَضَحِكَتْ» یاد نموده و پس از آن بشارت حضرت اسحاق به ساره داده شد. اگر آن‌گونه که تورات گفته، «ضحک» در معنای خنده باشد، چون قبل از بشارت، این

ضحک اتفاق افتاده است، می‌توان گفت: بی‌ارتباطی بخش‌های آیه مشخص می‌شود. برخی از مفسران نیز سبب خندیدن ساره را خشنودی از نابودی قوم لوط عنوان نموده‌اند (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۹۱۲).

در ناراستی این نظر، باید به آیات توجه کرد که خداوند از ضحک ساره پس از خبر ارسال به سوی قوم لوط سخن گفته است: «قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ وَامْرَأَتَهُ قَائِمَةً فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبُ»؛ یعنی هنوز خداوند برای حضرت ابراهیم ﷺ و ساره از عذاب قوم لوط حرفی نزده بود که ساره برای عذاب آنها خوشحال شود.

اما اگر آن‌گونه که برخی از مفسران گفته‌اند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۳۴۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۹۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۷۹)، «ضحک» در معنای «حاضت» باشد، با سیاق، ترتیب و تفسیر آیه هماهنگ‌تر می‌شود؛ بدان‌معنا که ساره در ابتدا از نظر زیستی و ساختار فرزندآوری به امکانات ویژه آن تجهیز شد و پس از آن، خبر باروری و تولد حضرت اسحاق ﷺ به او داده شد. این سخن و تفسیر، مخالف گفته تورات است که بر فرزنددار شدن در همان لحظه تأکید دارد (پیدایش ۱۰:۱۸). افزون بر آن خود تورات در این‌باره هم دچار تناقض است؛ زیرا از یک‌سو از باروری ساره در همان هنگام سخن می‌گوید (پیدایش ۱۰:۱۸). و از سوی دیگر در ادامه می‌گوید: سال بعد در همین زمان صاحب فرزندی خواهد شد (پیدایش ۱۴:۱۸).

پس می‌توان گفت: آن‌گونه که برخی از مفسران با تکیه و تأثیر غیرمستقیم از تورات گفته‌اند، خندیدن و تمسخر در واکنش به باروری اتفاق نیفتاده، بلکه ساره قبل از شنیدن بشارت و یا حتی قبل از شنیدن خبر عذاب، حیض شده (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۳۴۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۹۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۷۹) و پس از شنیدن بشارت فرزنددار شدن، شگفت‌زده گردیده و برای اطمینان خاطر از کیفیت بارداری خود پرسش می‌کند که این شگفتی با واکنش طبیعی زنانه و زدن ضربه به صورت برای اطمینان از خود، برای صحت شنیده حکایت دارد: «فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرََةٍ فَصَكَتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ» (ذاریات: ۲۹). روایاتی نیز در تأیید این معنا برای «ضحک» وجود دارد: «یاسناد صحیح عن عبدالرحمن بن الحجاج عن أبي عبدالله ﷺ في قول الله عزوجل: "فضحكت!" قال: حاضت» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۷۸).

۴-۴. علت ترس حضرت ابراهیم ﷺ

در تورات به هنگام نقل ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم ﷺ، هیچ سخنی از ترس و نگرانی حضرت ابراهیم ﷺ به میان نیامده، اما در قرآن، از احساس نگرانی حضرت ابراهیم ﷺ در ماجرای مهمانان ایشان، با سه تعبیر «وجل»، «روع» و «خوف» یاد شده است. در قرآن از واژه «روع» فقط در همین یک موضع؛ «وجل» در ۵ آیه (انفال: ۲؛ حجر: ۵۳و۵۲؛ حج: ۳۵؛ مؤمنون: ۶۰) که دو آیه آن درباره ماجرای مهمانان حضرت ابراهیم ﷺ است؛ و «خوف» در ۱۲۴ آیه استفاده نموده است. «وجل» در سه موضع از آن پنج موضع، همگی در برابر خدا و احساسی است که خاستگاه آن قلب معرفی شده است. این واژگان در کتب لغت قدیم در معانی «ترس» آمده است. اهل لغت «وجل» را همان «خوف» دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶ ص ۱۸۶؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۱۳۰؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۷۲۲).

برخی نیز معنای «فزع» را برای «خوف» آورده‌اند (ابن‌درید، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۹۳). در معنای «روع» نیز لغویان معنای «فزع» را انتخاب نموده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۴۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۳۵؛

زهری، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۱۱۲؛ ابن درید، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۷۴). «خوف» را نیز در معنای «فزع» دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۹۹؛ زهری، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۲۴۲). نیز آن را در معنای مخالف امنیت گرفته‌اند (ابن درید، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۱۷).

ظاهراً این سه واژه در معنای اصلی، یعنی داشتن ترس یکسان هستند. اما ریزاختلافاتی نیز در بطن خود دارند. *ابوهلال عسکری* بر آن است که خوف در امری است که انسان به‌گونه‌ای مشکوک در چیزی یا کسی انتظار و توقع ضرر و آسیب دارد (عسکری، بی‌تا، ص ۲۳۵) و نیز «خوف» را خلاف طمأنینه و آرامش می‌داند (همان، ص ۲۳۸) و «وجل» را به‌هنگام نگرانی دانسته است (همان). *ابن فارس* نیز «روع» را در معنای عامل و جایگاه ترس و نه خود ترس و فزع معرفی نموده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۶۰).

به هر حال استعمال این سه واژه با دربر داشتن تفاوت‌های ریز، حامل این پیام هستند که حضرت ابراهیم علیه السلام در هنگام مشاهده فرشتگان، از هر سه حالت برخوردار بود. به عبارت دیگر، جمع بین این سه واژه توصیف دقیق حالت حضرت ابراهیم علیه السلام در ملاقات با فرشتگان پس از دست نبردن به غذا و رفع آن حالت پس از گفت‌وگو با فرشتگان است. اما همچنان یک پرسش دیگر باقی می‌ماند و آن علت نگرانی حضرت ابراهیم علیه السلام در هنگام ملاقات با فرشتگان است.

قبل از هر چیز، توجه به یک نکته ضروری است که حضرت ابراهیم علیه السلام در آغازین لحظات و هنگام ورود فرشتگان، از آنها احساس ترس و ناخوشایندی نداشت، بلکه این احساس در ادامه این مهمانی برای حضرت ابراهیم علیه السلام حاصل شد. اما برخی معتقدند: علت اصلی این ناآرامی دست نبردن فرشتگان به غذا بود، که در پی آن حضرت ابراهیم علیه السلام دریافت آنان بشر نیستند، بلکه فرشته الهی هستند و برای عذاب وارد شده‌اند. از این رو حضرت ابراهیم علیه السلام ترس آن داشت که ایشان برای عذاب حضرت ابراهیم علیه السلام و یا قوم ایشان آمده باشند. پس فرشتگان ایشان را آرام کردند و به او گفتند: نترس! ما برای قوم لوط آمده‌ایم (تعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۱۷۸).

این سخن بدان معناست که اولاً، حضرت ابراهیم علیه السلام از صرف نزول ملائکه و فهم ماهیت آنها ترس و واهمه داشته، در حالی که این سخن با آیات قرآن و سیره انبیا هماهنگ نیست؛ زیرا فرشتگان بیشتر برای بشارت بر انبیا نازل شده‌اند. اساساً اولین ارسال و نزول فرشتگان بر انبیا در مقام بشارت نبوت بوده است و نمی‌توان به صرف رؤیت فرشته، پیامبری همچون حضرت ابراهیم علیه السلام گمان کند آنان برای عذاب آمده‌اند.

افزون بر آن، این سخن بدان معناست که حضرت ابراهیم علیه السلام فقط برای خود و قومش نگرانی داشت و پس از درک علت نزول فرشتگان و عذاب بر قوم لوط، ترس و نگرانی ایشان از بین رفت. این سخن درباره حضرت ابراهیم علیه السلام با ادامه آیات در باب مجادله و شفاعت حضرت ابراهیم علیه السلام برای قوم لوط و توصیف خدای تعالی از ایشان در تضاد است؛ زیرا این آیات بیانگر نگرانی و خوف حضرت ابراهیم علیه السلام برای قوم لوط است. از این رو شنیدن خبر عذاب قوم لوط نمی‌تواند علت رفع نگرانی حضرت ابراهیم علیه السلام بوده باشد.

افزون بر آن، گفته شد که فرشتگان ابتدا فقط از ارسال خود به سوی قوم لوط خبر دادند و سخنی از عذاب قوم لوط نگفتند و خبر عذاب قوم گنجهکار پس از بشارت حضرت اسحاق علیه السلام در پی پرسش حضرت ابراهیم علیه السلام داده شد: «قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ» (حجر: ۵۸-۵۷).

نظر دیگر آن است که دست نبردن مهمانان به غذا در آن زمان، دربردارنده پیام دشمنی و بغض بوده و علت خوف حضرت ابراهیم ﷺ از فرشتگان در آن هنگام همین بوده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۳۰؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۹۰)؛ بدان معنا که حضرت ابراهیم ﷺ پنداشت آنان انسان‌هایی هستند که نسبت به او دشمنی دارند، ولی فرشتگان به ایشان گفتند: ترس! ما بشر نیستیم، بلکه فرستادگان خداوند به سوی قوم لوط هستیم. این نظر صائب به‌نظر می‌رسد و با ظاهر قرآن و سیرت و سیره حضرت ابراهیم ﷺ نیز سازگارتر است؛ یعنی از حضرت ابراهیم ﷺ به صرف پی بردن به ماهیت فرشتگان رفع نگرانی شد و پیش از بشارت حضرت اسحاق ﷺ و پرسش حضرت ابراهیم ﷺ از مأموریت فرشتگان برای قوم لوط، ایشان خبری از عذاب قوم لوط نداشت و پس از اطلاع از عذاب قوم، ایشان به دلیل اوصاف شخصیتی خود، یعنی «اواه منیب» بودن (إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ) به شفاعت از آنان مبادرت ورزید.

نتیجه‌گیری

در تورات و قرآن شباهت در اصل موضوع، یعنی طرح بشارت تولد حضرت اسحاق ﷺ به‌عنوان محور اصلی این نزول و پس از آن خبر عذاب قوم لوط وجود دارد. اما تفاوت‌های زیادی در شرح ماجرا و دیگر مسائل جانبی در این داستان وجود دارد که برخی از نقل‌های تورات سبب وهن حضرت ابراهیم ﷺ، ساره و فرشتگان و نیز تنزل جایگاه ربانی و لایزالی و بی‌همتایی خداوند است. براساس آیات قرآن و نیز متن تورات، مأموریت اصلی فرشتگان برای بشارت حضرت اسحاق ﷺ بوده است. این بشارت دوبار در یک مجلس به حضرت ابراهیم ﷺ و ساره هر دو به‌طور مجزا داده شد و هر دوی آنها از این بشارت به شگفتی آمدند، برخلاف تورات که از شگفتی حضرت ابراهیم ﷺ سخن نگفته و شگفتی ساره را به استهزا و تمسخر تعبیر نموده است.

با توجه به آیات قرآن، بشارت حضرت اسحاق ﷺ و خبر عذاب قوم لوط، هر دو در آن مهمانی دوبار داده شد. در بدو ورود، به اختصار خبر ارسال فرشتگان به سوی قوم لوط به حضرت ابراهیم ﷺ داده شد. پس از آن خبر ولادت حضرت اسحاق ﷺ به حضرت ابراهیم ﷺ و دگرباره خبر بشارت حضرت اسحاق ﷺ به ساره با تفصیل داده شد. براساس آیات قرآن، علت ترس حضرت ابراهیم ﷺ در این داستان ماهیت مجهول مهمانان بود و نه ملک بودن آنان.

پس از اینکه ماهیت مهمانان بر حضرت ابراهیم ﷺ روشن شد و نگرانی حضرت ابراهیم ﷺ زایل گشت و بشارت حضرت اسحاق ﷺ به ایشان داده شد، حضرت ابراهیم ﷺ از امر مهم و علت رفتن فرشتگان به سوی قوم لوط پرسید که فرشتگان با تبیین صفت قوم (یعنی مجرم بودن آنها) خبر عذاب قوم لوط را به حضرت ابراهیم ﷺ دادند. حضرت ابراهیم ﷺ نیز به سبب رأفت ذاتی خود درباره عذاب آنان و سرنوشت لوط با فرشتگان به گفت‌وگو و شفاعت پرداخت.

نکته دیگر آنکه پیش از شنیدن خبر بشارت، ساره با تغییر وضعیت جسمانی خود (یعنی جوان شدن دستگاه باروری و حیض شدن) روبه‌رو شد و آنگاه که بشارت حضرت اسحاق ﷺ را بدو دادند، دچار هیجان و شوک گشت، به‌گونه‌ای که این هیجان سبب شگفتی او شد و به صورت خود سیلی زد. ساره در پی شنیدن خبر، هرگز دچار تردید و شک نگشته و خنده‌ای از سر تمسخر یا اهانت نداشت و فقط مبهوت شد، که فرشتگان از رحمت و برکات خداوند بر اهل بیت حضرت ابراهیم ﷺ بر او سخن گفتند.

منابع

قرآن کریم.

کتاب مقدس، ۲۰۱۶م، لندن.

الوسی، محمودبن عبدالله، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.

ابن درید، محمدبن حسن، ۱۴۰۷ق، *جمهره اللغه*، بیروت، دارالعلم للملایین.

ابن عاشور، محمدطاهر، ۱۴۲۰ق، *تفسیرالتحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی.

ابن فارس، احمدبن زکریا، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغه*، تصحیح محمدهارون عبدالسلام، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، ط. الثالثه، بیروت، دار صادر.

ازهری، محمدبن احمد، ۱۴۲۱ق، *تهذیب اللغه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

ثعلبی، احمدبن محمد، ۱۴۲۲ق، *الکشف و البیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

حسینی فاطمی، سیدعلی، ۱۳۸۶، «جغرافیای تاریخی داستان حضرت لوط»، *تاریخ دریابینه پژوهش*، ش ۱۳، ص ۶۷-۸۶

زمخشری، محمودبن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی.

سید قطب، ۱۴۱۲ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق.

صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶ق، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم، فرهنگ اسلامی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.

عسکری، ابوهلال، بی تا، *معجم الفروق اللغویه*، تحقیق محمدابراهیم سلیم، قاهره، دار العلم.

فرامرزی، جواد و میثم خلیلی، ۱۳۹۷، «تحلیل ساختار داستان ضیف ابراهیم و قوم لوط در رکوع هفتم سوره هود»،

پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۳۲، ص ۷۷-۱۰۳.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، تحقیق مهدی مخزومی، بیروت، دار و مکتبه الهلال.

فضل الله، محمدحسین، ۱۴۱۹ق، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.